

امر به معروف و نهی از منکر در حوزه نظارت و نقد و بررسی عملکرد کارگزاران از نظر فقه

علی متقی*
هادی مهدوی**
علی فلاحی سیف‌الدین***
احمد رضا توکلی****

چکیده

از آنجا که قدرت و امکانات فراوانی در اختیار کارگزاران است، و از طرفی اجازه دخالت در امور گسترده‌ای را نیز دارند، همین قدرت و اختیار ممکن است بستر سوء استفاده را برای ایشان مهیا سازد. لذا ضرورت کنترل آنان اهمیت دارد، از سویی با مطرح شدن الگوی انقلاب اسلامی، این موضوع نیز اهمیت بیشتری یافته است. در این خصوص پرسش اصلی این است که، باتوجه به اصول امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر عملکرد کارگزاران توسط شهروندان در فقه چه جایگاهی دارد؟ در آیات قرآن بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تاکید شده است، و شیوه حکومت پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام) موید این موضوع است مقاله حاضر می‌کوشد تا نظارت همگانی بر عملکرد کارگزاران بواسطه یکی از اهرم‌های اسلام (امر به معروف و نهی از منکر) برای مهار قدرت را تحلیل و تبیین نماید. بنابراین

*. دانشجوی دکترا، مدرس دانشگاه‌های خرم آباد
**. دکترای تخصصی، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ایران
h11.mahdavi@gmail.com
***. دکترای تخصصی، استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کمالوند خرم آباد، ایران
alifallahi84@yahoo.com
****. دکترای تخصصی، معاون آموزشی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه نجف آباد، ایران
a-tavakoli44@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۱
تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۸

برای دستیابی به پژوهش کاربردی از روش استنادی تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

کارگزار - معروف - منکر - فقه سیاسی - قدرت

۱ - مقدمه و بیان مسئله

۱ - ۱ - مقدمه موضوع

چگونگی کنترل قدرت سیاسی و جلوگیری از انحراف کارگزاران همواره از دغدغه‌های بشر بوده است. بنابراین هیچ یک از نظریه‌های سیاسی دولت نمی‌تواند خود را فارغ از پاسخگویی به آن بداند. در فقه اسلام از راه‌های مختلف به مهار قدرت و نظارت بر عملکرد دولتمردان اشاره شده است. اکنون این سؤال مطرح است که امر به معروف و نهی از منکر در فقه چه موقعیتی دارد و از ناحیه کارگزاران در این خصوص تا چه اندازه‌ای مورد پذیرش است و اصولاً چه موضعی در برابر امر به معروف و نهی از منکر می‌بایست اتخاذ کنند؟.

به نظر می‌رسد مسئولین می‌بایستی به موارد ذیل توجه لازم را داشته باشند. که عبارتند از:
اول: این که خود بستری را در جامعه ایجاد کرده و نهادینه نمایند که مردم و امت این امکان را بیابند که بر رفتار مسئولین خویش حق نظارت داشته باشند و حتی راه‌های صحیح عمل کردن را به آنان آموزش دهند تا در مواقع لزوم با کمک ساختارهای مهیا شده، ضمن نظارت در صورت نیاز آنان را یاور باشند.

دوم: آن‌گاه که مردم ارائه طریق کردند، مسئولان وظیفه دارند بدون هیچ‌گونه پیش‌داری و با تقوای الهی مورد مربوطه را به خوبی دریافت و مطالعه و بررسی کنند. اگر آن را درست تشخیص دادند با شجاعت و شهامت آن را بپذیرند و از پیشنهاد دهنده و امر و نهی کننده حتی تشکر و قدر دانی داشته باشند تا این روش به فرهنگ تبدیل شود. اگر هم پیشنهاد را ناصواب تشخیص دادند با جدال احسن و روش منطقی پاسخ دهند

۱ - ۲ - ضرورت

انحراف مسئولین و کارگزاران در دایره وسیع بر عامه مردم اثر مستقیم دارد، فساد آنان همچون

بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند هم به کار گزاران و هم به شهروندان ضرر می‌رساند و عامه مردم را به بی‌مبالاتی و خلاف کاری سوق می‌دهد. محقق تحقیق همه جانبه‌ای را، پیرامون نحوه نظارت شهروندان به حاکمیت ضروری می‌داند. لذا می‌توان سوال اصلی پژوهش را بدین صورت مطرح نمود:

۱ - ۳ - مسئله

با توجه به به اصل مهم نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر نظارت بر عملکرد کارگزاران در فقه چه جایگاهی دارد؟

بر این اساس در این مقاله تلاش شده است تا ابتدا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده و سپس به دنبال آن اقدام به انجام مطالعات و جمع‌آوری داده‌ها در قالب روش مطالعه نماید.

در نهایت بر اساس روش مورد نظر داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل و نتایج و راهکارها ارائه می‌گردد.

۲ - ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲ - ۱ - پیشینه پژوهش

برای این منظور سعی شده است تا به صورت نظری و استنادی مسئله بررسی شود. گرچه در این رابطه کتاب‌هایی نوشته شده و عموماً وظایف دولت‌ها معین شده است، ویا به مسایل شخصیه عموماً اشاره و بحث شده است، مانند نوشته آیت الله مشکینی - کتاب امر به معروف حجت الاسلام قرائتی - کتاب امر به معروف شهید اول و شهید ثانی و ... اما این که مردم بر چه اساسی حق دارند که به نظارت همگانی و نقد عملکرد مسئولین و کارگزاران خویش بپردازند. تا چه حدی و تا کجا و با چه روشی، این موضوع کاملاً روشن نشده است و به نظر می‌رسد کمبودهایی وجود دارد لذا محقق بر آن است که موضوع را تبیین و در اختیار مسئولین و مردم جهت کارایی بیشتر حکومت اسلامی قرار دهد.

۲ - ۳ - معروف در لغت

برای شناخت دقیق فریضه امر به معروف و نهی از منکر ابتدا لازم است که واژه معروف را در لغت تعریف نمود. «المعروف: اسمٌ لكل فعلٍ يعرفُ بالعقل و الشرع حُسْنُهُ» (حسنی زبیدی ۱۴۱۴) معروف

اسم هر عملی است که از نظر عقل و شرع پسندیده باشد.

و در اصطلاح:

معروف در اصطلاح به یک سلسله کارهایی گفته می‌شود که به حکم شرع یا عقل واجب باشند یا مستحب، واژه معروف از ریشه عرف، به معنای کار خوب و پسندیده است و خدا پرستان از آن «پسندیده نزد خدا» را اراده می‌کنند. بدین ترتیب امر به معروف یعنی دستور دادن به کارهای خیر. صاحب جواهر معروف را چنین تعریف می‌کند: «المعروف هو کُلُّ فعل حسن اختص بوصف زائد علی حسنه اذا عرف فاعله ذلکَ أو دل علیه». (نجفی ۱۳۶۷، ۳، ۳۶۵)

معروف هر کار خوب و پسندیده‌ای است که به وصفی اضافه بر حسن خود اختصاص داشته است. فاعل آن به خوبی و نیکی آن عمل آگاه باشد یا به آن راهنمایی شده باشد. نویسنده این معنی را انتخاب کرده است.

۲ - ۲ - معنی لغوی منکر

جهت تبیین دقیق فریضه امر به معروف و نهی از منکر ابتدا لازم است که واژه منکر را در لغت تعریف نموده و سپس آن را در اصطلاح تبیین نمود. «صاحب المنجد: قول و فعلی که رضای خداوند در آن نیست»؛ (لوئیس معلوف، المنجد). و یا برخی دیگر در تعریف لغوی منکر می‌گویند: المنکر کل فعل تحکم العقول الصحیحه بقیحه. (راغب اصفهانی ۱۴۱۰ق) منکر از ماده «نکر» و معنای آن بر خلاف معنای معروف بوده، در عرف دینداران به معنی کاری است که خداوند از آن راضی نباشد. بدین ترتیب نهی از منکر یعنی باز داشتن از کارهای زشت و ناپسند. (مصباح یزدی ۱۳۹۰، ۱۳)

و در اصطلاح منکر را این‌گونه تعریف کرده‌اند: المنکر کل فعل قبیح عرف فاعله قبیحه أو دل علیه». (نجفی ۱۳۶۷، ۱۴، ۳۵۶) منکر هر عملی است که کننده‌اش آن را به زشتی بشناسد ...

فقه سیاسی:

در مطالعه تاریخ فقه سیاسی و ریشه‌یابی آن در بستر زمان خواه ناخواه باید به عصر پیامبر ﷺ اسلام برگردیم. آن حضرت برای هدایت بشر از آموزه‌های وحیانی استفاده می‌نمود. آیات قرآن به تدریج مسائل اجتماعی، اجرای حدود، مسائل حکومتی و سیاسی، مسائل اقتصادی و ... را مطرح می‌نمود که قسمتی از آن فقه سیاسی است.

در جامعه اسلامی زمان پیامبر ﷺ احکام با نظارت خود پیامبر ﷺ که حاکم جامعه بود اجراء می‌شد. تعیین حکام ایالات، فرستادن سفراء و ... این در حقیقت نخستین مرحله فقه سیاسی اسلام است.

«در فقه مباحثی تحت عنوان جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، امامت و خلافت نصب اُمراء و قضاوت، مأمورین جمع‌آوری وجوهات شرعیة مؤلفه القلوب دعوت به اسلام، جمعه و جماعت، آداب خطبه‌ها و برگزاری مراسم اعیاد، صلح و قراردادهای دولت‌های دیگر، تولی و تبری، همکاری با حاکمان و نظایر آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. که به آنها فقه سیاسی گفته می‌شود. (عمید زنجانی ۱۴۲۱، ۱، ۵۰)

یا در جای دیگر تعریف جدیدی از فقه سیاسی ارائه دادند که قابل توجه است «تمامی پاسخ‌هایی که فقه به سؤالات سیاسی عصر و زمان می‌دهد، مثلاً دیدگاه فقه در خصوص انتخابات، تفکیک قوا، مشروعیت، جایگاه دستگاه اجرایی و سؤال‌های دیگر از این قبیل همه در محدود فقه سیاسی است یعنی متد استنباط و روش آن همانند روش سنتی است اما سؤال‌ها و پاسخ‌ها جدید و تازه است.» (مجله حکومت اسلامی، مقاله نظام سیاسی شماره اول)

تعریف لغوی کارگزار

در المنجد لوئیس معلوف آمده «من یحکم بین الناس یتولی شؤون اداراتهم» یعنی قضاوت کننده بین مردم و کسی که شؤون مردم را اداره می‌کند فرمانروا نیز گفته شده است و به عبارت دیگر معنی آن همان کارگزار است.

معنی اصطلاحی حاکم و کارگزار

در تبیین معنای حکومت و کارگزاران تلقی‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد و آن این‌که آیا حکومت و حاکمیت یک ساختار اعتباری و قرار دادی اجتماعی است که مسئولیت آن اجرای قانون است.

طبق این دیدگاه مأموریت کلان حکومت و کارگزاران از قبیل نظم و امنیت اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج است. سپس برای این مأموریت‌ها یک سلسله قوانین متناسب طراحی می‌کنند.

قدرت در لغت و اصطلاح

ابتدا لازم است قدرت را در لغت معنی کرد: به معنی تدبیر امور و مصلحت اندیشی و دور اندیشی معرفی کرده است - به معنی توانمندی نیز گفته شده است (دهخدا ذیل ماده قدر).

معنای اصطلاحی قدرت

یکی از مفاهیمی که در حوزه سیاست دچار دشواری تعریف است واژه قدرت است افرادی چون راسل

قدرت را «پدید آوردن آثار مطلوب» تعریف کرده‌اند (راسل، ۱۳۷۱، (دریابندری)، ۵۵). «قدرت مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که موجب به اطاعت در آوردن فرد یا گروه دیگر می‌شود.» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ۱، ۶۵) همچنین این تعریف کاملتر به نظر می‌رسد و مورد نظر پژوهشگر می‌باشد. «مراد از قدرت سیاسی، صاحبان قدرت، حکمان و فرمانروایان است که می‌بایست در فرایند نظارت بر اساس ساز و کارهای مشخص و محدود و کنترل شوند تا در نهایت از فساد، سوء استفاده و یا خودکامگی احتمالی دور شوند. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ۱۲)

۳- روش تحقیق

در این مقاله از روش تحلیل و تبیین برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق استفاده شده است. برای جمع‌آوری، در زمینه اسنادی از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

مبانی قرآنی امر به معروف و نهی از منکر

در آیه‌های متعددی از قرآن کریم بر این موضوع به طور صریح تأکید شده است که مردم بر روند امور در جامعه خویش نظارت داشته باشند، که این کار حق آنان است، بلکه نه تنها حق آنان است بلکه به عنوان وظیفه و تکلیف بر ذمه آنان نهاده شده است. در اینجا به آیات مرتبط اشاره می‌شود:

۱- آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

اولئك هم المفلحون». (آل عمران ۱۰۴)

باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

در این آیه دلالتی روشن است بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت و موقعیت آن دو. طبق این کلام آسمانی باید از میان جامعه اسلامی گروهی دعوت به نیکی کنند و جالب این که در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است.

اکثر متکلمان این دو را واجب کفایی می‌دانند (مشکینی ۱۳۵۹، ۲۴) و بعضی هم واجب عینی شمرده‌اند، این قول را شیخ ابوجعفر اختیار کرده و نیز قول صحیح این است که وجوب این دو فریضه نقلی است، که باید از قرآن و سنت وجوب آن دانسته شود. و عقل دلالت بر وجوب این دو ندارد مگر در موردی که از راه دفع ضرر باشد. ابو علی جیبایی می‌گوید: وجوب آنها عقلی است و دلیل سمعی تأکید حکم عقل است. (طبرسی ۱۳۷۲، مجمع البیان، ۲، ۸۰۷)

۲ - آیه: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله». (سوره توبه، ۷۱)
مردان و زنان با ایمان ولی (یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف می‌کنند نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند.

به موجب این آیه افراد مؤمن به سرنوشت یکدیگر علاقمند بوده و به منزله یک پیکرند. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک یک افراد و علی‌الخصوص حاکم و مسئول در کل جامعه تأثیر بگذارد. چنانچه یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نشود از فرد به جامعه و از حاکم به محکوم و امت سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد.

۳ - خداوند فرمود: «کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله». (آل عمران، ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که از میان مردم پدید آمدید که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برای شان بهتر است، بعضی از ایشان مؤمن‌اند ولی بیشترین تبهکارانند. این سخن دلیل بر فضیلت امر به معروف است. زیرا بیانگر آن است که ایشان بدان وسیله بهترین امتند در این آیه دو قرینه بر وجوب عینی بودن امر به معروف وجود دارد.
قرینه اول: این است که خطاب دارد «کنتم خیر أمة» تمام امت را بیان می‌کند یعنی همه امت باید این کار را انجام دهند.

قرینه دوم: «و تؤمنون بالله» است این وجوب عینی بر همه است، ایمان به خدا که دیگر عنوان کفایی را ندارد.

لذا این هم قرینه دوم بر این که بگوییم این آیه دلالت دارد بر عینی بودن امر به معروف و نهی از منکر. (مفید ۱۴۱۰، ۸۰۸)

آیه چهارم: «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة امر بالمعروف و نهوا عن المنکر و الله عاقبه الامور». (حج، ۴۱)

کسانی که قدرت و مکت در روی زمین به آنان داده شده است مؤظف به بر پا داشتن نماز، پرداختن زکات و امر به معروف و نهی از منکر شده‌اند.

منظور از تمکین آنان در زمین این است که ایشان را در زمین نیرومند کنند به طوری که هر کاری

را که بخواهند را بتوانند انجام دهند و هیچ مانع و یا مزاحمی نتواند سد راه آنان شود. در توصیف آنان می‌فرماید یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند حریتی داشته باشند، در میان همه انواع زندگی یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا می‌دارند و زکات داده می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. (طباطبائی ۱۳۴۰، ۱، ۳۸۶)

۴ - مبانی روایی امر به معروف و نهی از منکر

در این رابطه به بعضی از روایات اشاره می‌شود. روایت اول: روئی عن النبی ﷺ انه قال: لا تزال أمتی بخیر ما أمرت بالمعروف و ينهوا عن المنکر و تعاونوا علی البرّ، فاذا لم يفعلوا ذلك نزع منہم البرکات و سلط بعضهم علی بعض و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لا فی سماء و رواه المفید و المقنعه ایضاً مرسلأ. (بروجردی ۱۳۹۹ق، ۴۱۲) از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمود:

مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی کمک نمایند بر خیر هستند، زمانی که چنین نکردند برکات از ایشان گرفته می‌شود و بعضی از آنان بر بعضی دیگر چیره خواهند شد و در آسمان و زمین برای آنان یآوری پیدا نمی‌شود.

روایت دوم

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خود پس از حمد و ثنای خداوند چنین فرمود: اما بعد همانا پیشینیان شما هنگامی هلاک شدند که آلوده به معاصی شدند و علمای آنان (احبار) آنها را نهی نکردند، بلا و عقوبت بر آنان نازل شد، پس امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که این دو نه مرگی را نزدیک نند و نه سبب بریدن روزی می‌شوند.

روایت سوم: امام علی علیه السلام فرمود

«و ما اعمال البرّ کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی المنکر الا

کنفته فی بحرلجی». (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۲۱۶)

بدانید تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای است در مقابل یک دریای پهناور.

روایت چهارم: امام علیه السلام فرمودند

«... فَعْمَلٌ بِالْهَوَىٰ وَ عَطَلَتْ الْاِحْكَامُ وَ كَثُرَتْ عَلَلُ النُّفُوسِ فَلَا يَتَوَّعَدُ حَشَىٰ لِعَظِيمِ حَقِّ عَطَلٍ وَ لَا لِعَظِيمِ بَاطِلٍ فَعَلَّ فُهَيْلَاكَ تَذَلُّ الْاِبْرَارُ وَ تَعَزُّ الْاَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبْعَاتُ اللّٰهِ عِنْدَ الْعِبَادِ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِحِ فِي ذَلِكِ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ». (ترجمه نهج البلاغه) دشتی، خطبه (۲۱۶)

مردم از این که حق بزرگی فراموش شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج یابد احساس نگرانی نمی‌کنند، پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود. پس بهتر است که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری نمایید.

روایت پنجم: «قال الحسين علیه السلام ... انما خرجت و لطلب الاصلاح في أمة جدي، أريد أن آمرَ بالمعروف و النهي عن المنكر». (مجلسی ۱۴۰۳، ۲، ۲۷۰)

امام حسین علیه السلام در نامه معروفش به برادرش محمد حنیفیه درباره فلسفه حرکت و قیامش در فرازی از سخنانش می‌فرماید: من برای اصلاح امت جدم رسول خدا قیام کردم می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

معروف و منکر امام حسین علیه السلام بر خلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، صرفاً نفی و اثبات سطحی و جزئی امور نیست، بلکه امور کلانی است که در پناه خود، امور سطحی و جزئی را نیز اصلاح می‌کند، معروف امام همان بود که ایشان در عمل نشان دادند، و مبارزات سیاسی خویش را در همان راستا جهت داد. آن حضرت در کلام خود مصادیق امر به معروف و نهی از منکر را دقیقاً امور کلان حکومتی و سیاسی اعلام می‌کند.

و در ضمن بیان اهمیت انتقاد و نظارت عمومی نسبت به حکومت می‌فرماید: «خداوند و جوب امر به معروف و نهی از منکر را در الویت قرار داد، چون می‌دانست بقیه وظایف در پناه آن انجام خواهد شد، امر به معروف و نهی از منکر به اسلام دعوت می‌کند. حقوق ستمدیدگان را باز می‌ستاند، با ستمگران می‌ستیزد و بیت‌المال را به تساوی تقسیم می‌کند و مالیات‌ها را از آنجا که باید می‌گیرد و در جایگاه خود صرف می‌کند». (الحرانی ۱۴۰۴، ۲۷۰)

روایت ششم: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«در بنی اسرائیل ناسکی بود که پیوسته به عبادت می‌پرداخت. روزی در اثنای عبادتش دو پسر بچه مشغول آزار و اذیت خروسی بودند و زنده زنده بال و پر

آن «را می‌کنند آن عابد بی‌توجه به این مسئله همچنان به عبادت می‌پرداخت و آنان را از این کار باز نمی‌داشت، خداوند به زمین امر کرد تا او را بلعد و این گونه بود که با آن همه عبادت به درک واصل شد». (بروجردی، ۱۳۹۹ق، ۱۴، ۴۱۲)

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب عظیمند و با حیات آن دو است که ستون خیمه سایر فرایض پا بر جا می‌شود. خشم و غضب الهی به خاطر این دو می‌جوشد و همه را در بر می‌گیرد و نیکوکاران را در کنار بدان و کودکان و خردسالان را به همراه بزرگان بر خاک هلاکت می‌نشانند. آری امر به معروف و نهی از منکر سیره پیامبران و سنت صالحان است. با بررسی دقیق و عمیق در مضامین آیات و روایات رسیده از معصومین و معارف دینی کاملاً آشکار است که اهمیت حساس بودن در موضوعات را تأکید می‌کنند و موارد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر ضمن اعلام حق بودن نظارت بر عملکرد کارگزاران، پاسخگو بودن آنان را نیز وظیفه می‌داند.

۵ - ساز و کارهای نقد و اعتراض علیه کارگزاران

نظام‌های سیاسی غیر دینی امروزه عمدتاً برای اجرای حق نظارت و انتقاد ساز و کارهایی تعریف کرده‌اند که البته در تجربه جدید جمهوری اسلامی اکثر آنها نیز مقبول واقع شده که عبارتند از: ۱ - انتخابات، ۲ - شورا و مشورت، ۳ - احزاب، ۴ - مطبوعات و رسانه‌ها، ۵ - نصیحت و خیرخواهی، ۶ - تفکیک قوا، ۷ - نقد آشکار، ۸ - تذکر، ۹ - سؤال و استیضاح و ... هر کدام از موارد فوق به طور خلاصه توضیح داده می‌شوند.

۵ - ۱ - انتخابات

در نظام‌های دمکراتیک، مردم از طریق انتخابات کسانی را برای وضع قوانین و یا برای اجرائیات بر می‌گزینند که دوره‌ای و غیر دائم هستند و همین اعمال نظر و انتخاب و موقت بودن منتخبین موجب می‌شود تا آنان به خواست و یا نقد موکلین خویش توجه داشته باشند. و از طرفی شهروندان با ارزیابی عملکرد کارگزاران مربوطه اعمال نظر را از طریق رأی دادن و ندادن اعلام می‌دارند. که این روش عامل مهمی است در ضمانت اجرایی اثر گذاری نقد و اعتراض مردم نسبت به متصدیان امرشان می‌باشد. و او نیز موظف است مدیران خودش را کنترل کند.

البته از نگاه دینی نقش مردم فقط در رأی دادن نیست و این‌طور نیست که منتخبان پس از

انتخاب با افکار عمومی قطع رابطه کرده و در معرض نقد و اعتراض نباشند. بلکه شهروندان مؤظفند نظارت مستمر را اعمال و اگر نقدی دارند به طور صریح ابراز نمایند. این تکلیف دینی است که انسان‌های خدا محور و عدالت محور و معاد محور بایستی به آن پایبند باشند.

۵-۲- مشورت

شورا و مشورت: کارگزاران جامعه اسلامی نباید به فکر و اندیشه خود بسنده کنند و یا تنها با مشاوران خاصی مشورت کنند. بلکه استفاده از آراء فرهیختگان و نخبگان جامعه نیز امر مطلوبی است. از طرفی افراد مورد مشورت هم بایستی با دقت در ارائه نظر مشارکت کنند.

امام علی علیه السلام: «فلا تکفوا عن مقالة أو مشورة بعدل»

پس از گفتن حق با مشورت در عدالت خود داری نکنید. (نهج البلاغه، (دشتی)، خطبه ۲۱۶)

یکی از راهکارهای کم کردن خطاها در تصمیم‌گیری که شارع مقدس بر آن تأکید دارد مشورت است. زیرا با مشورت تصمیم‌گیری‌ها محکم‌تر و خطاها کمتر می‌شود و از خود رأیی نیز جلوگیری می‌شود. مشورت نقش پیشگیری از انحراف و خطا را ایفا می‌کند.

«برخی اسلام را اولین نظام قانونی بر شمرده‌اند که در حوزه حاکمیت و تدبیر به مشورت ترغیب کرده است». (منتظری ۱۴۰۸، ۲، ۳۱)

بنابراین شورا مهم‌ترین اصل نظام سیاسی به ویژه در نظریه‌های اهل سنت است و منظور از شورا تبادل آراء به منظور تصمیم درست در مسائل جامعه اسلامی است که حکم شرعی درباره آن وجود ندارد. (السنهوری، ۲۰۰۸، ۱۵۵) در این رابطه وی می‌نویسد: قرآن کریم حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله را از عمل واجب مشورت، التزام و پایبندی به شوری، استثناء نکرده است، در سیره آن حضرت موارد بسیاری وجود دارد که آن حضرت نظر صحابه را گرفتند و بویژه نظر کسانی که درایت خاص در موضوع مطرح شده برای پیامبر داشتند در مورد خلفای راشدین نیز مثال‌هایی وجود دارد که بر اشتیاق خلفای راشدین به مسئله شورا قبل از اتخاذ تصمیم در هر مسئله مهمی از مسایل حکومتی تأکید داشت. (همان، ۱۵۶) در مجمع البیان آمده است: هیچ انسانی مشورت نکرد مگر آنکه هدایت ورشد رهنمون گشت. (طبرسی، ۱۴۱۵، ۹، ۳۳)

۵ - ۳ - احزاب

حزب گروهی سازمان یافته است که دیدگاهی مشترک دارند و در صدد دستیابی به قدرت سیاسی هستند. (رابرتسون، کاکاوند، ۱۳۷۵، ۱۱۰)

گر چه احزاب دارای نقاط ضعف و قوت هستند و موافقان و مخالفانی دارد ولی در جهان مدرن و فرا مدرن از ظرفیت آنان جهت کادر سازی مسئولین جامعه و نظارت و نقد و بررسی عملکرد کارگزاران به خوبی استفاده می‌شود.

امام خمینی نیز در خصوص حزب معتقد بودند بستگی به عملکرد آن دارد وی در دوره رهبری - اش هم در بیان و هم در عمل بر مشروعیت جواز احزاب صحه گذاشتند. یکی از این موارد اجازه تأسیس حزب جمهوری اسلامی و حمایت از آن بود اما بعداً بنابه دلائلی آن را منحل کردند. در کل شاید به دلیل سوءاستفاده احزاب قبل از انقلاب و بعد از آن استقبال چندانی نکردند. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ۲۸۲، باتلخیص)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تأسیس حزب اجازه داده شده است: «عموم مردم و احزاب و تشکل‌ها دارای آزادی تشکیل اجماعات و راهپیمایی هستند و اجازه دارند در خصوص مسائل مختلف تجمع و اعلام نظر و مطالبه کنند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۲۷)»

بنابراین در نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه تشکیل و کارکرد احزاب به رسمیت شناخته شده است. و امروزه حدود ۲۵۰ حزب و گروه سیاسی در ایران پروانه فعالیت از وزارت کشور دارند یا در حال طی سیکل اداری آن هستند که ۱۵۰ گروه حداقل در بحبویه انتخابات تحرکات سیاسی را از خود نشان می‌دهند.

هرحزب با تلاش و تکاپو از طریق جذب بیشترین افراد برای کسب قدرت به میارزه سیاسی می - پردازد به همین دلیل است که در نظامهای دموکراتیک و پارلمانی آزادی احزاب و عضویت در آنها حق اجتناب نا پذیر ملتها شناخته شده است. (هاشمی، ۱۳۷۲، ۱، ۲۳۰)

در نظامهای سیاسی اهل تسنن هم کم و بیش احزابی وجود دارند که نمونه بارز آن جریان اخوان المسلمین بوده است.

۵ - ۴ - مطبوعات

یکی از ساز و کارهای نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان استفاده از پتانسیل مطبوعات و رسانه - هاست که کارکرد ارزشمندی از خود در جهان مدرن امروزی نشان داده‌اند.

در این عصر به عینه مشاهده که مطبوعات و رسانه‌ها راهکارهای اساسی جهت اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی از عملکرد حاکمان جامعه دارند. از این رهگذر نظارت و کنترل همگانی بر قدرت سیاسی انجام می‌گیرد.

امروزه به واسطه عصر ارتباطات به جغرافیای سیاسی جهان عنوان دهکده جهانی داده می‌شود که حاکی از پخش سریع اطلاعات است. رسانه‌های سمعی و بصری کانون توجه افکار عمومی هستند که از این رهگذر منتظر و مترصد رصد اخبار و اطلاعات می‌باشند که در صورت نیاز پیام‌های انتقادی و اعتراضی گروه‌ها را مطرح می‌سازند و توسط خبرنگاران و نویسندگان به عنوان آینه‌ای واقع نما در معرض افکار عمومی قرار می‌گیرند.

این رسانه‌ها به ارزیابی عملکردها مبادرت می‌ورزند و نقاط ضعف و قوت را جهت تنویر افکار ارائه می‌نمایند.

«از این‌رو در جوامع توسعه یافته، فضاهای وسیع‌تری را برای اصحاب رسانه‌ها پیش‌بینی کرده‌اند تا در سایه آن اصحاب رسانه و قلم در محدوده آزادی‌های اجتماعی بتوانند به بیان نظرات خود پرداخته و نقد عملکرد حاکمان و کارگزاران را مورد همت قرا دهند». (ایزدهی ۱۳۹۰، ۲۸۷)

۵ - ۵ - نصیحت و خیر خواهی

نصیحت و خیر خواهی نسبت به متصدیان و کارگزاران در نظام سیاسی اسلام یکی از حقوق و وظایف ملت است و اینان به همین دلیل نصیحه الملوک و یا نصیحه ائمه المسلمین در متون اسلامی مسبوق به سابقه است.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «ایها الناس ان لی علیکم حقاً و لکم علی حق، فا ما حقم علی فا النصیحه لکم و اما حق علیکم فالوفاء بالبیعة و النصیحه فی المشهد و المغیب». (ترجمه نهج البلاغه (دشتی)، نامه ۳۴)

معلوم است که خیر خواهی مردم برای حکومت به مفهوم طاعت است نه طاعت بدون چون و چرا این که طاعت در چارچوب قوانین و مقررات و انتقاد در صورت به وظیفه عمل نکردن کارگزاران و متصدیان است.

حال که خیر خواهی یک وظیفه است، وظیفه کارگزاران در برابر ناصحان و خیرخواهان چیست؟ آن چه که در ابتدا به ذهن می‌رسد، حاکم به لحاظ شخصیت حقیقی با دیگران تفاوتی ندارد و

مانند سایر مسلمین بایستی در موضوع نصیحت و خیرخواهی عمل کند. که مسیر و سرنوشت هر یک از افراد انسانی جدای از دیگران نیست. آدمی طبعی اجتماعی دارد و تاریخ شاهد است که اخلاق و عقاید و رفتار افراد جامعه و نسل‌های مختلف بر یکدیگر تأثیرگذار است.

انحراف مسئولین و کارگزاران در دایره‌ای وسیع بر عام مردم اثر مستقیم دارد، فساد آنان هم چون بیماری‌های مسری به دیگران سرایت می‌کند هم به دولت‌مردان و هم به افراد تحت امر ضرر می‌رساند و عامه مردم را به بی‌مبالاتی و خلاف کاری سوق می‌دهد.

نصیحت امام مسلمین یعنی یآوری و اطاعت و امر او به حق و یادآوری او به‌اینکه مدارا و ملاحظت با مردم را در پیش گیرد. اگر نسبت به حقی از حقوق مردم غافل یا بی‌اطلاع بود او را آگاه سازد، بر او خروج نکنند و دل‌های مردم را بر پیروی از او مهربان کند. (النووی، ۱۴، ۷، ۲، ۳۸)

مراقبت در باب منحرف نشدن به حکم عقل لازم است. از این جهت بر کارگزاران لازم است که سعی نمایند معروف‌ها را در جامعه بسط دهند و منکرات را از جامعه بزدایند.

در صورت برخورداری جامعه از علم و آگاهی احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت خویش افزایش می‌یابد و مسئولیت‌پذیری بیشتر می‌شود. از آنجا که فلسفه وجودی کارگزاران انتظام اجتماعی و برقراری عدالت است و البته احتمال خطا و انحراف در آنان نیز وجود دارد، به همین دلیل در دنیای امروز راهکارهایی جهت کنترل مسئولین و دست‌اندرکاران اندیشیده شده که نظارت بر عملکرد آنان توسط نهادهای ساختاری و همچنین آحاد مردم از جمله این موارد است که میانی آن را ضرورت امر به معروف و نهی از منکر مشروعیت می‌بخشد.

۶ - مسئولیت انسان‌ها در قبال جامعه

دلیل عقلی

چون بشر جهت حل منازعات جامعه خویش در سرای پر از اختلاف حیات اجتماعی جهت بهتر اداره کردن خویش نیاز به قانون دارد و از طرفی قانونی که نوشته می‌شود نیازمند ضمانت اجرایی است. زیرا اگر آن قانون پشتوانه اجرایی نداشته باشد در این صورت نمی‌تواند جامعه را به نظم مورد نظر برساند. به همین دلیل در علم حقوق «ضمانت اجراء» یکی از مختصات قانون‌های اساسی کشورها تلقی می‌شود.

«در واقع از این نظر امر به معروف و نهی از منکر یکی از راهکارهای اجرایی و پشتوانه تحقق عملی قوانین است. می‌توان گفت ضمانت اجرایی قوانین گاهی مقدماتی است که انسان‌ها را در سمت و سوی قوانین سوق می‌دهد و از تخلفات و انحرافات پیش‌گیری می‌کند و از طرفی مجازاتی که برای مرتکبان جرائم در نظر گرفته می‌شود قهراً در باز دارندگی از جرائم کار ساز است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۳، ۲۱)

بنابراین می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را راهکاری جهت ضمانت اجرایی قانون دانست زیرا ضمانت اجراء به دخالت مراجع رسمی و نهادهای دولتی اختصاص ندارد و حمایت عرف و همچنین افکار عمومی از جمله روش‌های آن شمرده می‌شود». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۳، ۲۴)

در تفسیر المیزان علامه طباطبائی: قوه مجریه را در اسلام همه افراد جامعه معرفی کرده است ایشان امر به معروف و نهی از منکر را به تک تک افراد واجب می‌داند. (طباطبائی، ۱۳۴۰، ۴، ۱۲۴)

به عبارت دیگر فارغ از کیفیتهای موضوعه برای متخلفان و متعدیان بر حقوق اجتماعی و متهمتکان حرمت‌ها و شعائر الهی که در جای خود نقش باز دارنده دارند. عقل آدمی هم اشعار می‌دارد که اراده عمومی بر خیر خواهی است و تنفر از شر و زشتی که بروز و ظهور آن از طریق امر به معروف و نهی از منکر بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تحصیل مقاصد مهم و نظارت بر عملکرد آحاد جامعه و به خصوص در حوزه مسئولین اجرایی را دارد و انتقاد یا اعتراض علیه مسئولین اجرایی که نقش مهمی در اوضاع جامعه دارند باز دارنده خواهد بود.

علامه نائینی نیز به این موضوع اشاره کرده است: «محدودیت حکومت (به قانون) را متفق علیه امت و از ضروریات دین اسلام می‌خواند و واگذاری همه امور را با اختیارات وسیع حاکمان که از نیروی عصمت برخوردار نیستند بدون نظارت و مراقبت با مکانیزم‌های پیش‌بینی شده عین واگذاری حراست گوسفندان به گرگ و با چشم تبرید به آتش داشتن می‌داند». (نائینی، طالقانی، ۱۳۷۸، ۳۹ و ۴۰)

بنابراین وی نظارت بر مسئولین و متصدیان امور را یک امر بدیهی و غیر قابل انکار می‌داند و از آن جهت که رفتار کارگزاران در تحت مراقبت بودنشان بدون دستور مذکور از ممتنعات می‌داند بنابراین هم عمل بر اساس قانون و هم نقد و نظارت عملکرد مسئولین را لازم می‌داند.

تفاوت نهی از منکر با انتقاد

در مقایسه امر به معروف و نهی از منکر با نقد و بررسی و اعتراض می‌بایم که این دو با هم

شباهت‌های فراوانی دارند. و در عین حال با هم تفاوت‌هایی هم دارند این که انتقاد اعم از نهی از منکر است. زیرا هر نهی ای از منکر انتقاد هم هست ولی هر انتقادی نهی از منکر نیست. به عنوان مثال: نقد عملکرد فردی که داری صفتی است که فقط از موقعیت اجتماعی او می‌کاهد، داخل در عنوان انتقاد است نه نهی از منکر.

تفاوت دیگر در این است که پشتوانه اصلی انتقاد حکم عقل است اما پشتوانه اصلی نهی از منکر «جهت شرعی» است یعنی نهی از منکر در قبال تکلیف و وظیفه شرعی اصولاً صورت می‌گیرد. (موسوی کاشمیری ۱۳۷۹، شماره ۱۷، ۲۹۶)

۷ - ارزیابی کنترل بیرونی قدرت

به کارگیری شیوه مهار و کنترل قدرت اجتناب ناپذیر است ولی کافی نیست یعنی شرط لازم است نه شرط کافی که این هم در عمل با مشکل دور و یا تسلسل روبرو است. مثلاً می‌خواهیم از اعمال ناروای قدرت A به وسیله قدرت B جلوگیری کنیم در این صورت اگر قدرت B خودش به اعمال ناروا اقدام کند چگونه آن را مهار کنیم. که دو وجه متصور است یا به واسطه عامل بیرونی و عامل سوم اقدام کنیم که اگر قدرت سوم هم مانند این‌ها بود بایستی به قدرت چهارم و تسلسل پیش می‌آید و باطل است.

$$A \rightarrow B - C - D \dots$$

یا به واسطه قدرت B, A را کنترل کنیم که او هم ناروا بود در این صورت هیچ کدام قدرت

$$A \Leftrightarrow B \quad \text{ندارند و دور پیش می‌آید.}$$

کنترل ساختاری قدرت (تفکیک قوا)

همین نحوه نظارت قوا نیز در عمل با چالش‌هایی مواجه است.

۱ - امکان تفکیک قوا به طور کامل مقدور نیست بلکه تداخل‌هایی دارند.

۲ - حداکثر کارایی تفکیک قوا به تفکیک فساد و تمرکززدایی از آن انجامیده است.

بنابراین نمی‌توان آن را نابود کننده فساد دانست همان‌طور که در کشور ایران هم تفکیک قوا وجود دارد لکن مشکل حل نشده بنابراین ضرورت دارد تا ضمن رعایت تفکیک قوا، احاد مردم نیز بر کارگزاران نظارت داشته و در صورت نقد و بررسی انتقاد و اعتراض نیز به این موضوع کمک نماید. لذا با مراجعه به نصوص دینی می‌یابیم که نظام سیاسی اسلام، جامع‌ترین و واقع‌گراترین مکتب در این عرصه است. آیین اسلام، بر کنترل درونی و بیرونی قوا تأکید می‌ورزد و در هر گستره، ساز و

کارهای متنوع ارائه می‌دهد. در این ساز و کارها بی آن که اقتدار نظام سیاسی آسیب ببیند، زمینه فساد قدرت به کمترین حد ممکن می‌رسد.

الف) روش‌های مهار درونی قدرت در اسلام

روش مهار بینشی و عقلانی: همان‌طور که امام علی علیه السلام فرمود: «همانا شایسته‌ترین افراد به این امر (زامداری) تواناترین مردم و دانشمندترین آن‌ها به حکم خدا در آن است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

همچنین خدانشناسی و باور عمیق قلبی به ناظر بودن حق تعالی و مسئولیت در برابر او در صیانت قدرت از انحراف و فساد بسیار مؤثر است. همچنین نوع نگرش به قدرت تأثیر زیادی دارد. آن‌گونه که امام علی علیه السلام فرمود: «به اشعث بن قیس: فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست بلکه امانتی است بر عهده تو». (نهج البلاغه، نامه پنجم)

وجود ضمانت اجرایی درونی و روانی است که در احاد مردم وجود دارد. و در این ضمانت اجرایی درونی در پرتو احساس وظیفه شرعی در اطاعت از مقررات و قوانین این نظام ... چنین نظارت و کنترل درونی در سایر نظامها وجود ندارد و اکثر قریب به اتفاق نظامها قوانین با قدرت و زور بر مردم تحمیل می‌شود و هر کجا مردم احساس آزادی بیشتری کنترل کمتری کنند شانه از زیر بار قوانین خارج می‌کنند. (مصباح، ۱۳۹۰، نظریه سیاسی، ۲، ۱۳۹)

ب) مهار اخلاقی

خلقیات و غرایزی که در نفس انسان، ریشه دوانده از مهمترین عوامل حفظ کارگزاران در فساد و انحراف است بنابراین کسانی شایسته حاکمیت هستند که صفات برجسته و خصال پسندیده‌ای مانند عدالت، تقوا، بردباری و رفتار نیک ... برخوردار باشند.

بایسته‌های کنترل قدرت

۱ - کمال و جامعیت

کنترل قدرت باید جامع و همه‌جانبه و دارای کار آمدی هر چه بیشتر باشد به گونه‌ای که احتمال سوءاستفاده از قدرت را به کمترین حد ممکن برساند. (شاکری، ۱۳۸۹، ۱۴۴)

۲ - باز دارندگی و دست و پاگیر نبودن

روش‌های مهار قدرت باید چنان تنظیم گردد که سوءاستفاده‌های احتمالی را مسدود کند نه این که بعد از کشف فساد و ریشه دواندن آن به درمان بپردازد که البته برخورد با فساد پدید آمده نیز ضرورت

دارد ولی همواره پیش گیری و پیش نیامدن فساد اولویت دارد. کنترل و مهار قدرت نباید تا آن اندازه پیش رود که کار آمدی نظام را در حوزه‌های سیاسی و علی‌الخصوص اقتصادی تهدید کند و با این روش کنترل جامعه را از بهره‌مندی‌های کارگزاران محروم سازد. (همان)

کنترل قدرت در نظام‌های غیردینی

نظام‌های غیر دینی دموکراسی عمدتاً از شیوه‌های بیرونی «کنترل قدرت» استفاده می‌کنند. که در همه نظام‌ها یکسان نیستند در نظام‌های دموکراتیک غربی عمدتاً از «کنترل ساختاری یا تفکیک قوا» بهره می‌برند که در دنیای جدید منتسکیو مبدع آن است. (شاکری، ۱۳۸۹، ۱۴۵)

راهکارهای مقابله خطاها و لغزش‌های کارگزاران:

اول: خطاها و اثرات آنها با هم متفاوت هستند و هر کدام آثار و نتایج دارند. و حتی خطای واحد در وضعیت متفاوت تأثیرش نیز متفاوت است اما آن چه مهم است خطاها سبب کاهش مقبولیت کارگزاران می‌شود.

دوم: این که کارگزاران غیر معصوم هستند شکی در آن نیست بنابراین احتمال اشتباه و حتی خطا دور از ذهن نیست اما راهکارهای اسلام جهت مهار قدرت حائز اهمیت هستند چه راهکارهای داخلی مانند علم و تقوا و چه راهکارهای خارجی چون مشورت و خود داری از استبداد رأی و یا نظارت گروه‌ها و احزاب و رسانه‌ها و نصیحت و خیرخواهی در کاهش ضریب احتمال خطا بسیار مؤثرند ... شرایطی که اسلام چه حدوثاً و چه بقائاً معین کرده همه موثر هستند.

سوم: امر به معروف و نهی از منکر یا همان اصل «نظارت عمومی» نیز یکی از راهکارهای فقه سیاسی اسلام است که بر آن فراوان تأکید شده است. بر اساس این اصل مترقی‌سوی کنترل‌های داخلی و خارجی و ساختاری ... هر مسلمانی مکلف و موظف است با دقت عملکرد کارگزاران و مسئولان را رصد نماید و در صورت انحراف به روش‌های معقول خیر خواهانه و بر اساس قاعده ارشاد جاهل و ارائه راهکارهایی که مفید به حال جامعه هستند به تذکر و تنبه مسئولان اقدام و با پیشنهاد سازنده و مفید آنان را در مسئولیتشان همیار باشد.

۸ - ساز و کارهای مهار بیرونی قدرت در اسلام

اول: فرد حاکم مسلمان معتقد است که خداوند ناظر توانمند و دانا است که به واسطه ارائه قرآن مجید موارد نیاز را معین و نیز جهت تعیین ضوابط رفتار حاکمان، ضمانت اجرایی نیرومندی نیز

افزوده است تا اگر خدای نکرده قدرت به فساد گرایید. بی‌درنگ درمان گردد و از تداوم آن جلوگیری به عمل آید. و آن سلب مشروعیت حاکم و منزل شدن آن است.

سوم: کیفر گمراهان و معاقبه آن در روز قیامت

چهارم: تنظیم حقوق متقابل ملت و دولت در برابر یکدیگر و مسئولیت هر دو در مقابل خداوند.

پنجم: تساوی در برابر قانون هیچ‌کس بر دیگر امتیازی ندارد بجز تقوا ...

پنجم: کنترل عمومی به واسطه مشورت‌پذیری کارگزاران - مسئولیت همگانی - اهتمام به امور مسلمین و عدم بی‌توجهی به سرنوشت آنان و مشارکت همه مردم در اداره جامعه - نصیحت ائمه مسلمین و کارگزاران - امر به معروف و نهی از منکر.

۹ - نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر یا همان اصل نظارت همگانی یکی از راه‌هایی است که نظام سیاسی اسلام بر آن تأکید کرده است و آن دو را از اهم واجبات معرفی نموده و گفته‌اند قوام بقیه واجبات به آن بستگی دارد. در بعضی از کتب فقهی مرجع ماند لمعه و تحریر الوسیله و ... به عنوان کتاب مستقلی مطرح شده است. بر این اساس هر مسلمانی موظف است با دقت و ژرف‌نگری هم نسبت به مسائل جامعه و افراد و همچنین نسبت به عملکرد مسئولان نظام اسلامی را زیر نظر بگیرند. و در صورت مشاهده خطا و انحراف به گونه‌ای خیر خواهانه و مفید به حال جامعه خطاها و انحراف را تذکر دهند و یا از مجاری ساز و کارهای امروزه چون انتخابات، احزاب، رسانه‌ها، و یا به روش‌های جدیدتر با طی مراتب امر به معروف موضوع را پی گیرد و نقد کنند.

از منظر فقه سیاسی اسلام سالم‌سازی و کارآ نمودن قدرت بدون حضور و مشارکت گسترده مردمی موفق نمی‌شود از این رو ساز و کارهای متعددی برای تحقق این مشارکت تدارک دیده است از جمله امر به معروف و نهی از منکر علی‌الخصوص برای کارگزاران است، چون مشارکت سیاسی و اجتماعی نه تنها حق مردم بلکه به عنوان تکلیف از آنان خواسته شده است و به آن صبغه وظیفه و تکلیف داده شده است که به طور مبسوط بحث شده است.

در این نگاه «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» بارها مورد تأکید قرار گرفته شده است

(مجلسی ۱۴۰۳، ۷۵).

امام خمینی بارها به این روایت استناد کرده و به همین دلیل هم فرمودند: «مسئولیت من هم گردن شماست، مسئولیت شما هم گردن من است اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید، اگر

نگویید چرا پایت را کج گذاشتی». (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۶، ۸۰)

به همین دلیل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیفی الهی یکی از مهمترین موارد حضور فعال در صحنه جامعه است در قرآن مجید آمده است.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». (آل عمران، ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید.

اکثر متکلمان این دو را واجب کفایی می‌دانند و بعضی هم واجب عینی شمرده‌اند. بعضی وجوب آن را بنابه دلایل نقلی داشته‌اند و معتقدند که عقل دلالت بر وجوب ندارد مگر در موردی که از راه دفع ضرر محتمل باشد.

امر به معروف و نهی از منکر امام حسین علیه السلام بر خلاف آن چه برخی تصور می‌کنند صرفاً نفی و اثبات سطحی و جزئی امور نیست، بلکه امور کلانی است که در پناه خود امور سطحی و جزئی را نیز اصلاح می‌کند.

آن چه برداشت می‌شود آن حضرت در کلام خود مصادیق امر به معروف و نهی از منکر را دقیقاً امور کلان حکومتی و سیاسی اعلام می‌کند.

اما موضوعی که اهمیت دارد این که موضع حاکمان چگونه است و چقدر حاضرند تسلیم آن باشند بسیار مهم است که ما در این مقاله به مقوله امر و نهی مردم و نظارت آنان بر عملکرد مسئولان پرداخته‌ایم و به اینجا می‌رسیم که حکومت اسلامی ضروری است بسترهای مناسبی را جهت این طراحی مهیا کند تا نظارت مردمی علاوه بر نظارت‌های سازمانی و مهار درونی مسئولان به واسطه شرایطی که برای کارگزاران در نظر گرفته است در حوزه بینش و اعتقاد و نحوه نگرش به قدرت و علم و فقه‌ها و یا مهار اخلاقی که با شرط تقوا و عدالت همراه است و تأثیر زیادی دارد. بهترین نوع کنترل قدرت کارگزاران در عصر جدید می‌باشد

فقهاء	مهار بینشی و عقلانی	
جهان بینی نوع نگرش به قدرت		
عدالت تقوا	مهار اخلاقی	
قانون گذاری سلب مشروعیت کیفردهی تنظیم حقوق متقابل کارگزار و مردم تساوی انسان ها در مقابل قانون	روش های مهار درونی (نظارت داخلی)	
	روش های مخصوص (کنترل مستقیم الهی)	مهار قدرت در اسلام
۱. انتخابات عمومی ۲. از احزاب ۳. مطبوعات ۴. مشورت ۵. نصیحت و خیرخواهی ۶. ارشاد جاهل ۷. امر به معروف و نهی از منکر ۸. تذکر و استیضاح ۹. نقد صریح و آشکار ۱۰. تجمع ۱۱. تحصن ۱۲. اعتصاب ۱۳. مخالفت مدنی	کنترل عمومی	روش های مهار بیرونی قدرت (نظارت بیرونی)
تفکیک قوا قانون اساسی نهادهای نظارتی سازمان های نظارتی داخلی	روش های غیر مخصوص	

۹ - ۱ - پیشنهادهای

بر این اساس پیشنهادهای اساسی نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومت به واسطه اصل نظارت همگانی امر به معروف و نهی از منکر در قالب‌های ارائه شده قابل پی‌گیری است که می‌توان به طور مشخص به موارد ذیل اشاره نمود:

- حاکمان و کارگزاران با همکاری نخبگان جامعه بستری فراهم کنند که امکان نظارت مردمی از سطوح پایین جامعه نسبت مسئولین وجود داشته باشد. و در مقام ضرورت ارائه خیر خواهی سهل-الوصول باشد.

- نسبت به فرهنگ‌سازی نظارت و نقد و بررسی در رسانه‌ها و جراید و مجامع علمی و آموزشی تلاش گسترده صورت گیرد. و افراد عمل‌کننده به آن در سطح افکار عمومی مورد تشویق قرار گیرند.

- رهنمودها و امر به معروف و نهی از منکر مردمی چه به صورت فردی از ناحیه دلسوزان و نخبگان و چه به صورت جمعی یا از طریق رسانه‌ها و جراید بدون هیچ‌گونه پیش‌داری و اتهامی و با رعایت تقوای الهی مورد مذاقه و بررسی قرار دهند. اگر انتقاد را محق دانستند و وارد بود که با شهامت آن را پذیرا باشند. و اگر آن را خطا و اشتباه در حوزه نظری و یا عملی یافتند باز هم به رعایت ادب با منطق و بیان حسن به آن پاسخ دهند و یا اگر از موارد غیر معتنابه بود از شخص و گروه منتقد بزرگواران بگذرند.

- مسئولین از نقد رسانه‌ها که اصولاً توسط تیم کارشناس و صاحب‌نظران ارائه می‌گردد نهراسند بلکه جهت شفاف‌سازی و کارایی حکومت بایستی ساز و کارهای مطرح شده در تحقیق مانند رسانه‌ها و احزاب تقویت گردند.

منابع

کتابها

۱- قرآن مجید

۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

۳- اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم‌الکتاب.

۴- احمد ابن فارس، ۱۴۰۴، *معجم مقاییس*، قم، مکاتب الاعلام اسلامی.

۵- النووی، *صحیح مسلم*، ۱۴۰۷، ج ۷، بیروت، دارالکتاب عربی.

- ۶- ابو الحمد، ابو محمد عبدالحمید، ۱۳۶۵، *مبانی علم سیاست*، ج ۱، تهران، انتشارات وتوش.
- ۷- السهنوری، عبدالرزاق احمد، ۲۰۰۸ *نظریه دولت در فقه اهل سنت*.
- ۸- ایزدهی، سجاد، ۱۳۹۰، *مبانی فقهی قدرت*، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج
- ۹- بروجردی، سید حسن، جامع الاحادیث.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۴، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش
- ۱۱- خمینی، روح اله، ۱۳۶۳، *کتاب البیع*، تهران، انتشارات اسماعیلان.
- ۱۲- حسین بن راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، داودی، دمشق دارالعلم.
- ۱۳- خمینی، روح اله، ۱۳۸۵، *ولایت فقیه و حکومت اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم آثار امام.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.
- ۱۵- راسل، برتراند، ترجمه (دریابندری) ۱۳۷۱، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۱۶- شاکرین، حمید رضا، ۱۳۸۹، *حکومت دینی*، قم، دفتر نشر معارف.
- ۱۷- امام خمینی، ۱۳۷۰، *صحیفه امام*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی.
- ۱۸- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۶، *تفسیر المیزان فی التفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۹- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱ ق، *فقه سیاسی اسلام*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۲۰- فؤاد افرا، رضا مهیار، ۱۴۱۰، *فرهنگ ایجاد عربی*، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۲۱- فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*، ج ۲، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، *مبانی حقوق*، تهران، میزان چاپ چهارم.
- ۲۳- لوئیس معلوف، ۱۳۷۴، *المنجد*، تهران، انتشارات دهاقانی.
- ۲۴- مطهرنیا، مهدی، ۱۳۷۸، *قدرت انسان*، حکومت، تهران، رستم خانی.
- ۲۵- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۰، *نظریه سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
- ۲۶- منتظری، حسینعلی، ۱۳۶۷، *مبانی فقهی حکومت اسلامی* (ترجمه صلواتی)، تهران، مؤسسه کیهان.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیا التراث العربی.
- ۲۸- نجفی، محمد حسین، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام* (محمد آخوندی)، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.

- ۲۹ - وبر، ماکس، ۱۳۷۴، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه منوچهری و دیگران، تهران، مولوی.
- ۳۰ - هاشمی، محمد، ۱۳۷۲، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی*، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۳۱ - نایینی، ۱۳۷۸، *تنزیه الامه و تنبیه المله*، قم، سهامی انتشار.

مقاله‌ها:

- ۱ - گلستانی، غلام نبی، ۱۴۱۵، *ویژگی‌های حکومت پاسخگو در سیمای مدیریت علوی*، مجله اندیشه حوزه.
- ۲ - موسوی کاشمیری، سید مهدی، ۱۳۷۹، *انتقادگری و انتقاد پذیری در حکومت علوی*، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷.
- ۳ - مجله حکومت اسلامی، شماره اول.
- ۴ - ملکی، مصطفی، ۱۳۹۴، *بررسی فقهی تعهدات حکومت اسلامی در امر به معروف و نهی از*

منکر.

منابع اینترنتی:

- ۱ - محمدی، عبدالعلی، *باشگاه اندیشه نقد پذیری*.
- ۲ - *ویکی پدیا*.

